

## طنین ساسی در سنجان

سنجان روستای خوش آب و هوایی در جنوب اراک بود که متأسفانه با موج تجاوز شهرها، بخشی از اراک شد.

به گزارش پرسون، حسین آخانی در یادداشتی نوشت:

سنجانی‌ها که از انقلابی‌ترین مردمان استان مرکزی بودند، به واسطه شرکت فعال هم در تظاهرات قبل از انقلاب و هم تعداد بالای شهدای جنگ، بسیاری از آنها به نهادهای سوپر انقلابی رفتند. سابقه سختکوشی آنها باعث شد که بسیاری از فرزندان کشاورزان سابق به شهر رفته و از نظر اقتصادی بسیار رشد کردند. آنها تحمل نام روستا را بر زادگاهشان نداشته و خیلی زود نام پاک روستا را، با نام زشت شهر عوض کردند. طبیعت بی نظیر سنجان قربانی توسعه اراک شد و سنجانی‌ها مانند همه مناطق خوش آب و هوای شهرهای ایرانی، به این تجاوز شهری نه تنها خوش آمد گفتند که افتخار هم کردند.

زمین‌های کشاورزی و سبک زندگی پایدار، سخت تحت تاثیر این دگرذیسی قرار گرفت. قیمت زمین و ملک افزایش یافت و زمین‌های کشاورزی یا رها و یا یکی پس از دیگری تغییر کاربری داده شدند. روستایی که در گذشته طنین صدای عرعر خرها، قیقیلوقیقوی خروس‌ها و آوای پرندگان شهره بود، پر شده است از صدای آگروز خودروها و هوهوی سگ‌ها.

سیزده بدر امسال در زمین مادری و پدری خودم در سنجان بودم. یکی از قطعه زمین‌های همسایگان ما به یک شهری، فروخته شده است. جوانان مالک جدید چنان آتشی به پا کرده بودند که زبانه‌های آن از شاخ و برگ درختان هم بلندتر بود. اما صدای آهنگ ساسی و سمیه چنان پر طنین بود که شاید تا یک کیلومتر و حتی بیشتر را هم پوشش می‌داد. به خود می‌گفتم: چرا فرزندان همسایه بغل به بغل این زمین که در نهادهای انقلابی شاغل هستند جلوی این ناهنجاری‌ها را نمی‌گیرند؟

شاید درست ترین پاسخ را دوستی در نظری زیر یکی از نوشته‌های اخیر من در اینستاگرام داده است. توسعه ویلاها در زمین‌های کشاورزی و محیط‌های طبیعی یعنی کشیدن بار بسته شدن دیسکوها و کاباره‌های شهرها به دوش محیط‌های روستایی. شهرنشین‌ها برای فرار از دخالت‌های نیروهای پلیس و گشت ارشاد برای خود خانه‌های تفریح، درست در عمق سنتی ترین مناطق کشور درست می‌کنند. فرزندان روستاییان قدیمی به دلیل نداشتن سود، آسیب به منابع آبی و عدم علاقه به تلاش، وسوسه قیمت‌های خریداران ملک می‌شوند و براحتی زمین‌های پدری خود را به شهرنشین‌ها می‌فروشند.

سبک زندگی صاحبان مناطق روستایی فاصله زیادی با سبک زندگی صاحبان جدید این زمین‌ها دارد و طبیعی است که این دو حالت رخ می‌دهد:

(۱) فرزندان و نوه‌های روستاییان سابق مجذوب این سبک زندگی می‌شوند و گاهی حتی افراطی تر از آنها رفتار می‌کنند.

(۲) بخشی از آنها، بخصوص مسن ترها، دیگر علاقه‌ای به آمدن به زمین‌های خود ندارند، چون حس می‌کنند به حرمت زمین و زندگی قدیمی‌شان تجاوز شده است.

امسال خیلی غصه خوردم از سرنوشت آنچه بر سر سنجان آمده است. دیگر از سمیرا، فاطی، زهرا، حمید، مجید و مجتبی خبری نبود، بلکه این طنین ساسی بود که آسمان سنجان را به سلطه خود درآورده بود؛ کسانی که آمده‌اند تا تکه تکه شاخه‌های درختان را برای آتش خود بشکنند، خاک این سرزمین را زیر چرخ خودروهای خود له کنند و با ساخت جاده و ویلا، بهشت سنجان را به جهنم ناجنسان تبدیل کنند (سنجان را برعکس بخوانید).